

محصّلین ایرانی در فرنگ

دومین اصلی که در اعزام محصل باروفا باید ملحوظ داشت تفویض کایه امور او است در دست یکنفر سرپرست دانشمند مطلع .

این اصل واضح و آشکارا همه کس قبول دارد و لزوم مراعات آنرا همه معترفند معذالك اشخاصی که تا کنون اطفال خود را بفرنگ اعزام داشته اند ترتیباتی موافق آن اتخاذ نموده اند و بعقیده ما علت العلیل تمام مفاصدی که از محصلین ایرانی بمعرض ظهور رسیده همین بی تکلیفی و بی سرپرستی آنان است در فرنگ . همان متمولین ایرانی که لازم میدانند برای یکداند ده محقر یکنفر مباشر معین کنند همان متمولین طفل جوان خود را در یک محیط آزاد و بکلی متفاوت با محیط ما رها میکنند و تقدیرش را در دست خویشان واگذار مینمایند .

بیچاره محصل ایرانی از بدوین وزودش نمیدانند که در کدام شهر و در چه منزلی رحل اقامت افکند . سپس در کدام مدرسه مشغول تحصیل شود . هنگام حرکت از ایران بخيال بوده است خود را متخصص در رشته سازد ؛ همین که باروفا رسید تحصیلات مقدماتی خود را ناقص می بیند برای تکمیل آن متعجیر است چه کند و داخل چه نوع دبستانی شود .

گذشته از آن بهمان نسبت که معارف اروپا بدرجه عالی رسیده بهمان نسبت قواعد و قوانین تشکیلات معارفی اش کثیر پیچیده و درهم است مثلاً برای بگرفته مخصوص از فنون چند قسم مدرسه یافت می شود که هر یک در نقطه از مملکت واقع گشته .

شرایط دخول آنها بر حسب انتظامات وزارت معین شده است ؛ باید داوطلب

دارای سن معین و تصدیقات و دیپلم‌های معین باشد در امتحان مسابقه (۱) باید جزو عده باشند که آن مدرسه می‌پذیرد: در سال باید مبلغ معینی تادیه کند، چند سال معین باید در آن مدرسه بسربرد و امتحانات و عملیات معین بمعرض بروز رساند و غیره تمام این اطلاعات را فقط یکنفر سرپرست دانشمند میتواند پس از اولین ملاقات به محصل ایرانی بدهد و ویرا هادی و رهنما گردد و از بهت و حیرتی که قطعا عارض ایرانی جدیدالورود میشود جلوگیری کند.

اگر برای امور تحصیلی بایرانی سرپرست ندهید بمحض ورود بخارجه جمعی اطراف او را میگیرند: یکی او را بیک مدرسه شبانه روزی شخصی (۲) میبرد که مقصودش تنها در آوردن وجه است از یگانه و بهر وسيله که امکان پذیر شد. البته صاحب چنین مدرسه‌ای که در حقیقت باید دکانش نامید، مایل است هر چقدر زیاد تر آن محصل را نزد خود نگاهدارد و برای نیل بدین مقصود سعی میکند طفل را از خود خورسند سازد ولو برخلاف وظایف خویش عمل نماید (مانند آزاد گذاردن او بعد از ساعات مدرسه که بدون شك باعث فساد شدن اخلاقش میگردد) یا تنبیه نکردن او در مواقعی که کار و رفتارش مستوجب تنبیه است. (۰۰۰) - دیگری داوطلبانه او را به مجامع و محافل میبرد، اشخاص معلوم الحالی را باو معرفی میکند، مضرات تنهائی و بی رفیقی را برایش بیان مینماید و بالاخره زیادی آزادی ممالک فرنگ را در نظرش جلوه گر ساخته پس از چندین صغری و کبوی بدین نتیجه می‌رسد که برای مصاحبت خویش باید شخصی را انتخاب کند و ز اقامت خود در اروپا بهره ور گردد.

سومی که ایرانی است باو میگوید ایرانیانی که حقیقه در اروپا تحصیل

کرده‌اند بواسطه قدر شناسی هموطنان خویش مجبور بانزوا و حتی
انتحار گشته‌اند و بنابراین بهترین رویه آنست که انسان فقط شارلاتانی پیام‌وزد و وقت
شیرین خود را صرف تحصیلی که در ایران بی نتیجه خواهد ماند ننماید.

چهارمی که از هموطنان اوست به حاصل جدیدالورود، که هزاران عشق و شوق
برای تحصیل یکی از رشته‌های علوم دسر دارد، اشاره میکند که باید معلوماتی
در اروپا بدست آورد که در ایران انسانرا بوزارت برساند، معلوماتی که تحصیل اش
بیش از دو ماه در سال وقت لازم نداشته باشد و در عین حال شخصی را به عالیترین مسند
رسمی نایل سازد. آن معلومات کدام است؟ - دوره مختصر و ناقصی از حقوق

البته حالات روحیه یک محصلی که بدین طریق محاصره شده کاملاً
حس مینماید. اگر بر آن علاوه کنید که اولیایش نظر به عادتى که دارند شهریه معمول
به او را همیشه در بوبته تاخیر انداخته و گاه اتفاق میافتد که یکسال باو وجه نمیرسانند
و بهمین جهت در انظار و اقربان کا خود تخفیف و بسی افتخارات فرستند که ما
حقیقة ننگ داریم در این مقاله جنگاریم - آنوقت در خواهید یافت چگونه اغلب
ایرانیانی که بفرنگ رفته‌اند جاهل و فاسد الاخلاق مراجعت میکنند.

بعکس اگر در چین عزیمت بفرنگ برای طفل خود سرپرست عالم
مطلعی در آنجا معین کنید به محض ورود از او امتحاناتی بعمل می‌آورد
و چون نظامنامه‌ها و قوانین معارفی اروپا را میداند فوراً خواهد فهمید
که آن جوان با معلوماتی که دارد ورشته که میباید خواهد در آن متخصص شود
باید در کدام مدرسه خود را قبلاً حاضر کند و پس از چندی در چه نوع
از مدارس مخصوصه دولتی و بچه و سایللی داخل شود.

چون از اوضاع اروپا باخبر است و هیچوقت محصل را بمدرسه شخصی نمیسپارد بلکه همیشه مدارس دولتی را مقدم می‌شمارد و از طرف دیگر مراقب تربیت او و اخلاق او می‌گردد، اشخاصی که بایند با او معاشرت کنند انتخاب میکنند، در مواقع تعطیل محصل را نزد خود می‌خواند و ویرا در تحت هیچ بهانه آراد و بحال خود نمیگذارد ولی هوائج او را بوسایل مقتضیه بر آورده و در محیطی سالم از مرحله خطرناک (سن هفده) عبور میدهد.

وجود سرپرست در فرهنگ باعث اعتبار و اطمینان اولیای مدرسه می‌گردد بطوری که اگر اتفاقاً پدر محصل مدتی شهریه او را نرساند سرپرست از خود نیز نتواند آنرا ایصال دارد ناظر (۱) مدرسه اظهار نمیکند.

بالاخره این نکته را نباید فراموش کرد که برای یک نفر محصل جوان که از خانواده خود دست کشیده و در غربت مقیم گشته لازم است کسی را نماینده فامیل خود بداند

و دلگرمی اش بوی باشد و در صورت امکان هر هفته او را بپند و از ایران عزیز صحبت کند تا حب و وطنش زیاد تر شود و در عین حال از مقایسه مملکت خود با محیطی که در آن زندگی میکند درس عبرت گیرد و علت اصلی رفتن خود را

بفرغات حس کند و بعد در نتیجه بر مساعی و مجامدات خود بیفزاید تا از مغانی قابل توجه برای این آب و خاک هدیه آورد. حال که لزوم تعیین سرپرست

از هر نقطه نظر مبرهن و مدلل گردید بی مناسبت نیست ترتیب انتخاب او و اداره کردن امور محصل را نیز مختصراً بنگاریم. بعینه ما باید اولیائی که و آنان

خود را با اروپا اعزام میدارند از دولت علیه تقاضا کنند یک نفر سرپرست عائم متدین مطلعی برای کلیه محصلین در اروپای غربی با حقوق کافی انتخاب کند

و محل اقامت ویرا شهر پاریس قرار دهد زیرا که پای تخت فرانسه نسبت بسویس ولزبک و انگلستان که بطور کلی محل تحصیل هموطنان ماست مرکزیت دارد و بواسطه سهولت فوق العاده آلات نقلیه شخص سرپرست میتواند در چند ساعت از مقر خود بممالک مذکوره رود و در امور محصلین تفتیش و مراقبت سهل آورد.

درازاء این درخواست اگر هر یک از اولیای محصلین ماهی جزئی مبلغ بدولت تقدیم دارند حقوق سرپرست و منشی و مخارج سفرش بخوبی حاصل خواهد شد.

نظری باحصائیه محصلین ایرانی در فرنگ در سنه ۱۹۱۴ یعنی قبل از جنگ بین المللی نشان میدهد که چنانچه هر یک در ماه پانزده قران بدولت بدهند قریب پانصد تومان بدست خواهد آمد که برای مخارج مذکوره بخوبی تکافو خواهد بود.

وقتیکه چنین سرپرستی از طرف دولت معین گردید البته اطمینان او باتیه خویش باعث جدیتش در کار میشود و سمت رسمی اش فوائد فوق العاده برای معرفی کردن محصلین بمدارس و معاملات آنان یاد و این معارفی فرنگی خواهد داشت.

در اینجا ممکن است گفته شود سفرای ایران در ممالک غربی میتوانند از عهده سرپرستی محصلین بطوری که مادر نظر داریم برآیند. برای رد این عقیده کافی است بنکاریم که

نمایندگان سیاسی ایران در فرنگ بواسطه کثرت مشاغل دیپلوماتیک (۱)

متخصص نبودن در سرپرستی محصلین و بالاخره موظف ندانستن خویش

در این رشته قادر به تهیه طرق و وسایل تعلیم و تربیت جوانان ما در اروپا

نیستند و نباید موجبات سعادت آتی اطفال خود را از آنان متوقع و مترصد باشیم

بقیه دارد

رشت ۵ جوزا ۱۲۸۹

عیسی صدیق

تاریخچه دیسیپلین تدریس اروپائیان

در کتب تاریخی مذکور است که دو نفر مخترع طریق تدریس بوده‌اند

۱ - قبل از میلاد ارسطو (حکیم یونانی) که بزرگترین مدرسه دوره خود را در پای تخت یونان تأسیس نمود و از اقطار کره زمین محصلین بادیه ها پیموده خدمت ایشان میرفته و کسب علوم و فضایل مینمودند و بعین ترتیب تدریس کنونی اروپائیانرا اختراع و دستور داد ارسطو پیشوا و معلم حکماء مشائی و صاحب رای بوده فن منطق که از مخترعات افلاطون و هنوز مرتب و مبسوط نشده بودند مدون و مرتب و مبسوط گردانید لذا او را معلم اول خوانند مقدم بر کل علوم علم تهذیب الاخلاق را تدریس و دستور میداد سپس حساب و هندسه بعد از آن منطق و سایر علوم را تعلیم میداده مقصود اصلیش در تعلیمات تکمیل نفوس بشری و صحت مزاج انفرادی و ترتیب و تنسيق حيوه اجتماعى بود لذا علم تهذیب الاخلاق را در تعلیم مقدم میداشت و بعد علومى که ذهن را از ضلالت و اوهام محفوظ دارد مانند حساب و هندسه و منطق تدریس میکرد پس از آن با فاضله سایر علوم میپرداخت چون روابط دول و فرمان مانند حالیه نبود و کتب تدریسیه بزبان ملی یونانی بود فقط سعی وجدیت را در تحصیل معانی مقصوده علوم بکار میبردند نه در تحصیل لغت خارجه و نحو و صرف فی الجمله از زمان ارسطو بعد یونان مرکز علوم شد مخصوصاً تمام دول اروپا دیسیپلین و پروگرام تدریس ارسطو را تتبع و رواج دادند تا این زمان اروپائیان همان سبک را از دست نداده و روز بروز در تسهیل تعلیم و تالیف کتب کوشیدند و در سایه تسهیل تعلیم در بلاد خود علوم را بتمام طبقات تعمیم دادند و توسط تعمیم علوم بر تمام قطعات کره زمین مستولی شدند .